

کومله؛ دیروز، امروز، فردا

ناصر ایرانبور

۲۶ بهمن است، روز کومله، یکی از جریانات مؤثر جنبش کردستان ایران، مناسبتی است برای تأملی نو بر دیروز و امروز و فردای این جریان.

۱. کومله طبق اظهارات بنیانگذاران و رهبران آن در سال ۱۳۴۸ پا به عرصه‌ی حیات سیاسی نهاد؛ زمانی شکل گرفت که استبدادی سنگین بر جامعه‌ی ایران غلبه داشت، اصلاحات ارضی بنیادهای ساختار اقتصاد سنتی و فئودالیت‌های ایران را به سود سرمایه‌داری و رویکرد اقتدارگرایانه‌ی مدرنیسم دگرگون می‌ساخت، طبقات اجتماعی جدیدی پا به عرصه حیات می‌نهادند، اقشار متوسط جامعه افزایش کمی می‌یافت، تعداد تحصیلکردگان و دانشجویان فزونی می‌یافت، اندیشه‌ی چپ و سوسیالیستی و مارکسیستی در اروپا و خاورمیانه در حال پیشروی بود، گفتمان انقلاب، ضرورت مبارزه‌ی "ضد امپریالیستی" و سبک مبارزه‌ی "چریکی" هژمونی پیدا کرده بود... در این فضای سیاسی، فکری و اجتماعی نسل جدیدی از جوانان کردستان در تلاش برآمدند، با پاسخهای "روز" به میدان بیایند. رهبری سیاسی تنها حزب کردستانی وقت، حزب دمکرات کردستان ایران، یا در زندانها بود یا در مهاجرت اجباری، و قدرت جذب این نیروی پرشور و تازه‌نفس و جوینده را نداشت. فاکتورهای تأثیرگذار دیگر بر روان این بخش از روشنفکران آن زمان کردستان عبارت بودند از جنبش عظیم ملی کردستان عراق، بعدها جریان کومله‌ی رنج‌دوران درون اتحادیه‌ی میهنی کردستان عراق و جنبش چریکی ۴۶ - ۴۷ کردستان ایران و همچنین نفوذ راه حل مائوئیستی مبارزه. در چنین فضایی مخلوطی از سوسیالیسم و ملی‌گرایی کردی در ذهنیت آنها شکل گرفت. بتدریج سازمانی شکل گرفت که از همان ابتدا حامل ظاهراً دو "تناقض" بود؛ کردستانی/سراسری، سوسیالیستی/ملی. آنها هم به سوسیالیسم ویژه‌ی خود دل بسته بودند، اما نمی‌خواستند به تشکلهای سوسیالیستی ایرانی و سراسری سنخ خود پیوندند و هم نمی‌خواستند از عطف ویژه به مسائل کردستان دست بردارند، بدون اینکه بخواهند به حزب کلاسیک ملی کردستان پیوندند و یا حزب مشابه دیگری تأسیس کنند. در همین راستا درصدد برآمدند از سویی با جریانهای سوسیالیستی موجود ایران مرزبندی سیاسی و مبارزاتی و تشکیلاتی کنند و از سویی دیگر با حزب کلاسیک ملی کردستان ایران، حزب دمکرات کردستان ایران. آری، آنها می‌خواستند نه این باشند و نه آن، اما هم آن بودند و هم این. همین تأکید همزمان آنها بر سوسیالیستی و کردستانی‌بودن راهشان بر محوریت مؤلفه‌ی اولی از ابتدا ویژگی منحصر به فردی به آنها می‌داد. رویدادهای بعد از انقلاب در کردستان حمله‌ی رژیم به این خطه و ضرورت مقاومت مسلحانه این نیروی نوپیدا را به سرعت توده‌ای و کردستانی تر کرد. در گیرودار سازماندهی مقاومت در برابر رژیم ابتدا فرصت کافی و مناسب برای تعیین تکلیف در مورد سراسری یا کردستانی بودن نبود. فواد مصطفی سلطانی یکی از رهبران و اسطوره‌های کومله در ضمن اینکه خود افق سراسری برای کومله قائل بود، اما کردستانی شدن یک‌بار برای همیشه آن را منتفی نمی‌دانست و حتی از احتمال تشکیل "حزب کمونیست کردستان" سخن می‌راند. با جان‌باختن وی و روی آوردن عده‌ای از چپهای رادیکال ایرانی در شمایل "سازمان سهند" به کردستان، رادیکال شدن فضای کردستان و احتمالاً برای یافتن هم‌پیمان ایرانی برای خود در رقابت با حزب دمکرات کردستان ایران که تازه با سازمان مجاهدین خلق ایران وارد ائتلاف شده بود، همچنین با غلظت یافتن جوهر ایدئولوژیک و ادبیات مارکسیستی کومله که نخله‌های آن همواره در پی تشکیل "حزب طبقه‌ی کارگر ایران" بودند، در انتها گفتمان کردستانی ماندن کومله تحت‌الشعاع سراسری شدن آن در هیئت یک سازمان سراسری جدیدالتأسیس، "حزب کمونیست ایران"، قرار گرفت. با تشکیل حزب کمونیست ایران در سال ۱۳۶۲ و با وجود تقویت مقطعی جوهر "کمونیستی" کومله این جدال بر سر سمتگیری اما پایان نیافت، بلکه تنها به دلیل درگیری سخت و خونبار با حزب دمکرات کردستان ایران قدری خفیف شد. با جدایی مرموز منصور حکمت و یارانش (اکثریت رهبری) از حزب کمونیست ایران در سال ۱۳۷۰ از جمله به دلیل نیرومندبودن ادعایی نیروهای "ناسیونالیستی" داخل آن و گریز آنها به اروپا ظاهراً این هدف تعقیب می‌شد که اثری از کومله (چه به لحاظ اندیشه و چه از نظر سازمانی) باقی نماند. اما نیروهای باقیمانده، حزب کمونیست ایران و سازمان کردستان آن (کومله) را دوباره بازسازی نمودند.

۲. با شکست پروژه‌ی "سوسیالیسم واقعا موجود" و بازخوانی اندیشه‌ی سوسیالیستی توسط بخشهایی از این حزب و بازتعریف نقش و رسالت خود، چه به لحاظ اعتقادی و چه از حیث چهارچوب تشکیلاتی، انشاقی دیگر در سال ۲۰۰۰ در این حزب

(حزب کمونیست ایران) صورت گرفت؛ بخش جدا شده از حزب مربوطه "سازمان کومله‌ی زحمتکشان انقلابی کردستان ایران" را بر پایه‌ی سوسیال‌دموکراسی و تشکیلات کردستانی و ملی مجدداً بازسازی نمود. این سازمان نیز سه سال پیش انشعابی داد که اکنون تحت عنوان "کومله‌ی زحمتکشان کردستان" فعالیت دارد. "سازمان کومله‌ی زحمتکشان انقلابی کردستان ایران" در دو کنگره‌ی پیش به "حزب کومله‌ی کردستان ایران" تغییر نام یافت. گروه موازی دیگری نیز از این طیف وجود دارد که "جریان سوسیالیستی کومله" نامیده می‌شود. این آخری به دلیل کشمکش‌های پیشگفته (جدال بر سر کردستانی یا سراسری بودن کومله) از حزب کمونیست ایران جدا شد. در حال حاضر چهار تشکل کومله‌ی حزب کمونیست ایران، کومله‌ی زحمتکشان کردستان و حزب کومله‌ی کردستان ایران و جریان سوسیالیستی کومله سه فکر را نمایندگی می‌کنند. البته گروهی دیگر نیز خود را به طیف کومله منتسب می‌داند و نام "حزب سوسیال دموکرات کردستان - کومله" بر خود دارد. به نظر نمی‌رسد این تشکل آخری نقش مؤثری در آینده‌ی کردستان داشته باشد و قادر باشد نیروی کیفی و کمی قابل قیاسی با خود داشته باشد.

سازمان/حزب	باور سیاسی/جهان بینی	جریانی کردستانی	سراسری
کومله - سازمان (شاخه‌ی) کردستان حزب کمونیست ایران	سوسیالیستی کلاسیک/کمونیستی	آری/خیر	آری
حزب کومله‌ی کردستان ایران	سوسیال‌دموکراتیک	آری	خیر
کومله‌ی زحمتکشان کردستان	سوسیال‌دموکراتیک	آری	خیر
تشکل جریان سوسیالیستی کومله	سوسیالیستی	آری	خیر

اینکه کدامیک از چهار تشکل نامبرده در جدول فوق توانسته است با اقبال اکثریت جانبداران طیف کومله در جامعه روبرو گردد، مطلقاً مشخص نیست. تاجایی که به خود آنها برمی‌گردد، هر چهار گروه چنین ادعایی به نسبت خود دارند. اما به هر حال می‌توان گفت که در حال حاضر گرایش سوسیال‌دموکراتیک/کردستانی هژمونی سیاسی/فکری دارد.

۳. به گمان من در بعد میان‌مدت به غیر از کومله‌ی حزب کمونیست ایران سه کومله‌ی دیگر مجدداً وحدت خواهند نمود، چه که افق سیاسی و درک تشکیلاتی آنها بسیار به هم نزدیک است. محتمل می‌دانم که کومله - سازمان کردستان حزب کمونیست ایران - در بعد درازمدت به جریانی حاشیه‌ای تبدیل شود، چنانچه باورها، ادبیات و پاسخهای آنها همچنان دیروزی بمانند. در چنین حالتی مشروعیت و دلیل وجودی خود را بیش از پیش از دست داده، با انشعابات دیگری روبرو شده و قدرت بازتولید خود را نخواهند داشت. آنها در حال حاضر از کادرها، انقلابی‌گری و اندوخته‌های فکری و انسانی نوستالژیک سالهای نخست بعد از انقلاب بهمن هزینه می‌کنند و به لحاظ رتوریک، تئوریک و ارزیابی از واقعیات جامعه بشدت سطحی، متوهم، ناپخته و ذهنی‌گرا هستند. البته با شناختی که از آنها در دست است، ابتدا تلاش خواهند نمود برای مصون ماندن از ایزولاسیون همان‌کنند و گویند که رقیبان نفرین‌شده‌ی "ناسیونالیست" شان می‌کنند، اما چون بخش بزرگی از آنها در دنیای اتوپیک خود زندگی می‌کنند، جزمگرایی و سکتاریسم جزء لاینفک اندیشه‌های آنهاست و از جهان‌بینی کتابی‌شان نمی‌توان پاسخهای هزاران پرسش و معضل ریز و درشت زمانه را استخراج نمود، در فضای غیرانقلابی و آرام جامعه عاقبت همان نقشی را ایفا خواهند کرد که احزاب کمونیست کشورهای دموکراتیک و حتی کردستان عراق و عراق در حال حاضر ایفا می‌کنند. اما اکثریت کومله (سه تشکل دیگر) به یکی از نیروهای مسؤول و مؤثر ساماندهی کردستان ایران و یکی از نیروهای ائتلاف دموکراتیک سراسری ایران تبدیل خواهد شد و در کنار نیروی پیشکسوت و دیرین کردستان، حزب دموکرات کردستان ایران و احزابی دیگر نمایندگی شایسته‌ی مردم کردستان و بخشی از ایران را برعهده خواهند داشت. کومله در مقطع بعد از انقلاب بهمن با سیمایی رادیکال، جوان و سوسیالیستی و پرچم دفاع از "کارگران و زحمتکشان" به میدان آمد، اما با این وصف در بعد درازمدت امتداد تاریخی جنبش کردستان در سال ۱۳۲۴ - ۱۳۲۵ بود و با وجود زیگراگهای معمول هر سازمان تازه برای نوگرایی و تعریف رسالت جدید و اعطای هویت نو به خود، دست کم بخشهای عظیمی از آن عاقبت به همان جریان اصلی کردستان پیوست و دغدغه‌ی اصلی نخبگان کردستان را دوباره به دغدغه‌ی خود مبدل ساخت. آری، ۲۶ بهمن امتداد ۲ بهمن است و باید از سوی مردم کردستان - و نه صرفاً هواخواهان کومله - چون یک روز ملی گرامی داشته شود. اتفاقی نبوده که کومله هیچگاه سنگر کردستان و درک کردستانی را رها نکرد، حتی آن زمان که علی‌الظاهر شعبه‌ای از یک سازمان سراسری بود و بخشا هنوز هست. همه نیک می‌دانستند که شاخه از تن بزرگتر است و این شاخه است که تنه را تغذیه می‌کند و نه برعکس. به همین دلیل نیز شناسنامه‌ی "سراسری" بودن کومله و نام "حزب کمونیست ایران" هیچگاه به

ویژه از سوی روشنفکران و مبارزان کمونیست ایرانی برسمیت شناخته نشد و کومله برای مردم و کنشگران سیاسی همان ماند که بود و نه آن که می‌خواست باشد. به هر حال اکنون بخش بزرگی از کومله به لحاظ تحزب و تشکیلاتی جایگاه واقعی خود را بازیافته است. این بخش از کومله به لحاظ فکری نیز اعتلای چشمگیری پیدا کرده است. اگر وجه مشخصه اصلی دیروز کومله چپ‌گرایی به مفهوم عدالت‌طلبی بود و این جریان رویکردی درون‌کردی داشت، امروز این وجه از نظر من لیبرال - دمکراتیک به مفهوم آزادی‌خواهی است و سمت‌وسویی برونی و در تقابل با "جمهوری" اسلامی دارد، بدون اینکه عطف کمتری به نسبت قبل به جنبشهای اجتماعی درون جامعه‌ی کردستان داشته باشد. همانطور که سازمانهای متعدد سوسیالیستی و چپ ایران در چهارچوب فکری خود در ارائه‌ی بهترین برنامه با هم در رقابت هستند، حزب کومله و حزب دمکرات کردستان ایران نیز بعنوان دو نیروی اصلی جامعه‌ی کردستان در چهارچوب برنامه‌های مشابه خود برای بنای یک ایران آزاد و آباد و دمکراتیک و فدرال و دستیابی به حقوق تضییق‌شده‌ی مردم کردستان در امر ارائه بهترین راه حل و جذب مردم کردستان در رقابت می‌باشند. لذا موجودیت کومله را در بعد تاریخی و به ویژه در سیما و هویت امروزی‌اش ارتقاء فرهنگ سیاسی و دمکراتیک در کردستان می‌دانم. بر من مبرهن است که اکثریت کنشگران کومله خود را هنوز "چپ" تعریف می‌کنند، اما از آن جایی که چپ در تقسیم ثروتهای جامعه و برقراری عدالت اجتماعی معنا پیدا می‌کند و این امر زمانی موضوعیت و امکان تحقق خواهد یافت که جامعه‌ی کردستان از قید استبداد و استعمار رهایی یافته و به تعبیری دیگر آزاد شده باشد و ساختارهای صنفی دست کم یک جامعه‌ی متعارف سرمایه‌داری در آن وجود داشته باشند، "چپ" بودن نمی‌تواند هویت و ماهیت کنونی یک حزب مسؤول و مبارز باشد. هر حزب مسؤول هویت و رسالت و برنامه‌ی خود را با شرایط جامعه تعریف و تدوین می‌کند. و همه می‌دانیم که در شرایط کنونی اصلی‌ترین مانع دستیابی به عدالت نیز نبود آزادی و کاروسازها و پیش‌شرطهای ساختاری آن می‌باشد. لذا حتی حزبی که در پی برقراری یک نظام سیاسی بر بستر عدالت اجتماعی و تقسیم ثروتها و امکانات جامعه باشد، هویت اصلی کنونی‌اش با توجه به شرایط پیشگفته باید لیبرال و آزادی‌خواهی باشد. لذا کومله و حزب دمکرات کردستان ایران در گوهر خود احزاب لیبرال (آزادخواه) هستند. چون می‌دانم کومله اکنون در مرحله‌ی گذار تاریخی خود بسر می‌برد و کنشگران آن پی‌درپی در حال بازخوانی و بازتعریف خود و در این مسیر پویا و جويا و صادق هستند و اکثریت آنها خود را از دگماتیسم خاص احزاب ایدئولوژیک رها نموده است، دیر یا زود به چنین استباطی دست خواهند یافت.

من این گونه کومله را می‌بینم و میل دارم در آینده ببینم، بدون آنکه منتفی بدانم در ارزیابی‌ام اینجا یا آنجا و یا در نتیجه‌گیری‌ام اشتباه کرده باشم و بدون آنکه بر بحرانشا و دشواریها و اشتباهات قابل انتقاد درونی جنبش کردستان که کومله به هر حال یکی از دو نیروی اصلی آن بوده، چشم‌پوشی کرده باشم.

بدیهی است که هدف این سطور به ویژه تحلیل یکایک مواضع کومله در ۴۱ سال موجودیت کومله نبوده، بلکه ضمن تجلیل از آن همه تلاش و فداکاری نخله‌های متفاوت کومله و گرامیداشت ۲۶ بهمن، "سالروز آغاز فعالیت علنی" آن، در اصل ترسیم مسیر کلی و سیر تاریخی آن و همچنین نشان‌دادن راستای تکوین این جریان در آینده از نظر راقم بوده است.

همانطور که جنبش فدائی در ایران جزء جدایی‌ناپذیر حرکت تاریخی مردم ایران برای نیل به آزادی و عدالت بوده است، جنبش کومله نیز از اجزاء لاینفک حرکت تاریخی مردم کردستان برای دستیابی به آزادی و رهائی ملی می‌باشد.

ناصر ایرانپور

۲۶ بهمن ۱۳۸۹

۱۵ فوریه‌ی ۲۰۱۱